

## فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۹	سال شمار حوادث مهم قرن ششم هجری و زندگانی خاقانی
۱۷	زندگی، شخصیت و آثار خاقانی
۱۹	نام و نشان و خاندان
۲۱	تولد
۲۳	زادگاه
۲۴	استادان
۲۶	خاقانی و شاعران دیگر
۲۸	سبک
۳۱	سوانح زندگی
۳۸	سفرها
۴۲	وفات
۵۱	علت درگذشت
۵۵	ممدوحان
۵۵	زبان
۵۵	عقاید
۵۶	مذهب فقهی
۶۲	مشخصات ظاهری
۶۳	فرزندان خاقانی
۷۷	شخصیت و اخلاق
۷۹	عرفان
۸۲	قصاید مشهور

صفحه	عنوان
۸۲	آثار
۹۲	خاقانی و خاورشناسان
۹۳	<b>قصاید خاقانی</b>
۹۵	قصیده اول
۱۰۵	قصیده دوم
۱۱۶	قصیده سوم
۱۲۵	قصیده چهارم
۱۳۶	قصیده پنجم
۱۴۲	قصیده ششم
۱۴۹	قصیده هفتم
۱۵۹	قصیده هشتم
۱۶۱	ترساییه حبسیه یا ... ؟
۱۶۳	دانش خاقانی در زمینه مسیحیت
۱۸۱	قصیده نهم
۱۸۲	رشید و خاقانی
۱۸۵	دلیل نثار میان رشید و خاقانی
۱۹۲	قصیده دهم
۲۰۸	قصیده یازدهم
۲۲۷	قصیده دوازدهم
۲۳۷	قصیده سیزدهم
۲۵۳	قصیده چهاردهم
۲۷۲	قصیده پانزدهم
۲۹۶	قصیده شانزدهم
۳۰۲	قصیده هفدهم
۳۰۵	روابط خاقانی با قزل ارسلان
۳۰۹	قصیده آفتاب
۳۱۴	قصیده هیجدهم
۳۲۵	قصیده نوزدهم
۳۵۲	قصیده بیستم

صفحه	عنوان
۳۶۵	قصیده بیست و یکم
۳۷۱	قصیده بیست و دوم
۳۸۰	قصیده بیست و سوم
۳۹۱	قصیده بیست و چهارم
۳۹۸	قصیده بیست و پنجم
۴۰۵	قصیده بیست و ششم
۴۱۳	قصیده بیست و هفتم
۴۱۹	قصیده بیست و هشتم
۴۲۷	قصیده بیست و نهم
۴۲۸	تاریخ و شمار سفرهای حج
۴۳۵	سال دقیق سفر نخست حج
۴۴۲	سال دقیق سومین سفر حج
۴۴۴	حوادث مکه در قرن ششم
۴۵۲	حج دیگر خاقانی؟
۴۸۲	قصیده سی ام
۵۰۳	قصیده سی و یکم
۵۲۱	قصیده سی و دوم
۵۲۷	قصیده سی و سوم
۵۵۱	منابع
۵۶۵	نمایه ها

## مقدمه

سرّ سخنان نغز خاقانی از خواجه شنو که علمش او دارد  
از تشنه پیرس ارز آب ایرا ارز او داند که آرزو دارد

(خاقانی، دیوان، ص ۸۸۱)

از این ابیات به خوبی دانسته می‌شود که شعر خاقانی در زمان خود او نیز راز آلود و دشوار می‌نموده است و مهم‌تر اینکه در همان زمان کسانی بوده‌اند که از «سرّ سخنان نغز» او آگاه بوده‌اند و خاقانی دیگران را برای آموختن سرّ سخنش به آنان ارجاع می‌داده؛ چرا که آنان «علمش» را داشته‌اند.

خاقانی برای درک راز و رمز شعرش علاوه بر داشتن علم، که می‌دانیم شامل اطلاعات گسترده‌ای در زمینه علوم مختلف ادبی و غیرادبی می‌شود، به شرط دیگری هم اشاره کرده که عبارت است از تشنگی و طلب و آرزو. به عقیده او وقتی این تشنگی و طلب وجود داشته باشد می‌توان از سطح عبارات و ابیات گذشت و به لایه‌های زیرین کلام و اشارات سخنان نغز او و ارزش واقعی آن‌ها رسید. بدون این تشنگی نه آرزو قدر سخنان نغز خاقانی را می‌توان درک کرد و نه می‌توان به زیبایی‌های آن پی برد و نه اساساً ضرورتی برای فهم سخنان او می‌توان احساس کرد، اما وقتی این تشنگی و طلب حاصل آمد، او از سیر و سلوک دست خالی باز نخواهد گشت.

\*\*\*

حکایت این طلبه در تمامی این بیست و چندسالی که در جست‌وجوی راز و رمزهای سخنان حکیم افضل‌الدین امام خاقانی بوده، حکایت همین «تشنگی و آرزو» بوده است؛ البته، بی‌آنکه «علمش» را داشته باشد! فرصت‌های من در همه این سال‌ها، عمدتاً، صرف

انس با سخن خاقانی و مطالعه و جست‌وجو درباره او و آثار او و تدریس این آثار شده است.

بخشی از حاصل این جست‌وجوها در زمینه خاقانی‌پژوهی، پیش از این در نقد صیرفیان و پاره‌ای مقالات و نوشته‌های من آمده و بخش عمده‌تر سر سخنان نغز خاقانی است که اینک در چند مجلد پیش روی ارباب دانش و تحقیق و فضیلت قرار گرفته است. امیدوارم این کتاب نیز، چون کارهای قبلی مورد توجه قرار بگیرد.

البته، آنچه اینک منتشر می‌شود (چهار مجلد) تنها بخشی از کار است که شامل بخش قصاید بلند او (۴۴۴ صفحه از دیوان خاقانی) می‌شود. کار تحقیق و گردآوری منابع و یادداشت‌های بقیه بخش‌ها (حدود ۶۰۰ صفحه، شامل ترکیب‌بندها و غزلیات و رباعی‌ها و قطعات و قصاید کوتاه) هم سال‌هاست انجام شده است. نگارش و ویرایش بخش‌های بعدی فرصتی می‌خواهد و توفیقی و هم‌تی که در گرو لطف خداوندگار کریم است.

### گزارشی از این اثر

سر سخنان نغز خاقانی با سال‌شماری از حوادث سیاسی و فرهنگی قرن ششم آغاز می‌شود. مرور این حوادث که پیش از تولد خاقانی تا پس از درگذشت او را شامل می‌شود، ما را با فضای قرن ششم و حوادثی که در بستر آن شخصیت و شعر خاقانی و فضای سیاسی و ادبی روزگار او شکل گرفته آشنا می‌کند. بدون شناخت این حوادث نکات بسیاری در شعر خاقانی بر ما نامکشوف باقی خواهد ماند و پژوهش‌های ما تنها به حوزه‌های زبانی و لغوی و بلاغی و ... فارغ از شأن نزول و چرایی آفرینش سروده‌ها، محدود خواهد شد. سعی کرده‌ایم این سال‌شمار، در حدّ توان، جامع و دقیق باشد؛ گرچه نظر به تاریکی تاریخ شماره برخی از سال‌ها و حوادث ممکن است دقت کافی و لازم را نداشته باشند و برخی نیز تقریبی‌اند. تاریخ سرایش و نگارش مهم‌ترین قصاید و نامه‌های خاقانی در همین سال‌شمار آمده است.

بخش بعدی کتاب، زندگی‌نامه و آشنایی با شعر و شخصیت و آثار خاقانی است. در این بخش که مستند و دایرة‌المعارفی نوشته شده، سعی کرده‌ایم ضمن رعایت اختصار

لازم، شرح احوال دقیق این سخنور بزرگ قرن ششم را به دست دهیم. موارد فراوانی از نکات این بخش برای نخستین بار و با استدلال لازم مطرح شده است. همچنین، تلاش کرده‌ایم تا بخشی از باورهای غلط پیرامون زندگی و شخصیت خاقانی را با دلایل تاریخی کافی اصلاح کنیم. این مباحث در همین بخش به پایان نمی‌رسد و در ضمن تحقیقات کتاب و در لابه‌لای بخش‌های دیگری نیز نکات ناگفته فراوانی در حوزه زندگی و شخصیت و شعر خاقانی مطرح شده است.

در بخش **قصاید** در ذیل هر قصیده نخست معرفی کوتاهی از آن بیان شده، سپس ممدوحان قصاید و سروده‌های دیگری که احیاناً شاعر به آن‌ها تقدیم کرده با رجوع به منابع موجود در آغاز هر قصیده شناسانده شده‌اند.

بخش **نگاه کلی** در هر قصیده گزارشی است از هر قصیده بر اساس محور عمودی آن. در این بخش کوشیده‌ایم به اختصار چگونگی شکل گرفتن یک قصیده و حرکت مضامین و تصویرها را در ضمن مطلع‌های مختلف قصیده شرح دهیم. هدف از این بخش، فی‌نفسه، شرح ابیات نیست. در این بخش تنها ساختار هر قصیده و نحوه سیلان مضامین و تصاویر در بستر محور عمودی آن توضیح داده شده است. این نگاه کلی البته برای فهم سخنان خاقانی یک ضرورت است و بدون آن نمی‌توان چرایی بیان بسیاری از مضامین و تمثیل‌ها و کنایه‌ها و استعاره‌ها و هدف شاعر از بیان آن‌ها را فهمید. عیب بزرگ بسیاری از شروح موجود بر اشعار خاقانی جزئی‌نگری آن‌هاست. این شروح، چه‌بسا با دقت فراوان، بسیاری از نکات و دقایق و جزئیات موجود را در یک بیت توضیح می‌دهند، بی‌آنکه ارتباط این نکات پراکنده را در کلیت قصیده با یکدیگر نشان دهند. بدون نگاه به محور عمودی یک قصیده و نحوه چینش اجزاء و تصاویر آن در ساختار کلی، بسیاری از رازورمزهای موجود در قصاید فنی و ساختارمند، مثل سروده‌های خاقانی، مغفول می‌ماند.

**تاریخ سروده** بخش دیگری است که به تعیین زمان آفرینش سروده بر اساس قراین درون و برون‌متنی می‌پردازد. تاریخ دقیق یا تقریبی سرایش قصاید متعددی در این بخش مشخص شده است. بی‌شک، اینکه بدانیم یک سروده مربوط به چه دوره‌ای از زندگی

یک شاعر است و در چه زمان و مکانی سروده شده، برای فهم آن سروده و آشنایی با سوانح عمر شاعر حائز اهمیت بسیار است.

در بخش **نکته‌ها** به دقایق و نکاتی پرداخته می‌شود که از دیدگاه شارحان و منتقدان قدیم و جدید، به هر دلیل پوشیده یا ناگفته مانده است. ما اگر در *نقد صیرفیان* به نقد «گفته‌ها»ی دیگران پرداختیم، در اینجا به بیان «ناگفته‌ها»ی آنان می‌پردازیم. هدف اصلی ما در اینجا نقد سخنان دیگران نیست و جز به ضرورت وارد این وادی نشده‌ایم. نکاتی که در این بخش آمده عمدتاً مطالبی است که همه شارحان خاقانی آن‌ها را ناگفته نهاده‌اند یا در بیان آن به خطا رفته‌اند.

برای نگارش این اثر در حدّ مقدور همه آثار در دسترس و واجد اهمیت دیده شده و اگر نکته‌ای را حتی یکی از شارحان و محققان گفته‌اند، از آن در گذشته‌ایم. بنای ما در این بخش گفتن ناگفته‌ها و پرهیز از بازگویی گفته‌های دیگران بوده است. در این بین احياناً اگر نکته‌ای در این کتاب یافت شود که قبلاً دیگران به آن اشاره کرده‌اند، یقیناً با دلایل متقن‌تر و بیشتری بیان شده و چیزی برای مزید فایده بر آن افزوده‌ایم. در این قبیل موارد هم کوشیده‌ایم که به نوشته‌ها و مطالب دیگران، حتی اگر بعد از مقالات و یادداشت‌های قبلی ما نوشته شده باشند، اشاره کنیم تا دچار تکرار مکرر نشده باشیم. اگر چنین ارجاعاتی از قلم افتاده باشند، به دلیل کم‌اطلاعی نویسنده یا فراموشی و غفلت او به واسطه گستردگی منابع بوده است.

ابیات خاقانی معمولاً بدون ظرافت و نکته و احياناً پیچیدگی و گره نیستند. به همین دلیل است که بر آن‌ها شروع متعدد و پیرامون برخی از آن‌ها مقالات مفصل و متنوعی نوشته شده است. لذا، کسی نمی‌تواند دیدگاه خودش را درباره ابیات این شاعر خاص و پیچیده گو قول فصل و وحی منزل به شمار آورد و تصور کند که دیگران نمی‌توانند بر شرح و رأی او چیزی بیفزایند. هیچ بعید نیست که کسانی برخی از مطالب و پیشنهادهای ما را نپسندند. طبعاً در عرصه مباحث علمی هر کسی می‌تواند بر اساس استدلال خویش نظری داشته باشد و آن را صحیح بداند. به طور قطع و یقین، همه آنچه در این کتاب در زمینه دشواری‌های اشعار خاقانی آمده سخن اول و آخر نیست. در پاره‌ای از موارد ما

چون راه رسیدن به معنی قطعی را بسته دیده‌ایم، به بیان «معانی ممکن و معقول» و پیشنهادهایی برای ایجاد گشایش در گره معنی بسنده کرده‌ایم و بر آنیم که در حوزه متون قدیم، با ابهامات گسترده‌ای که در آنها هست و با توجه به اینکه صناعت شعر در ذات خود، در مواقع بسیار تک‌معنایی و معنی قطعی را بر نمی‌تابد، همیشه نمی‌توان معنا و شرح قطعی و یقینی صادر کرد و به ناچار باید به بیان معانی معقول و ممکن بسنده نمود. در این بخش کوشیده‌ایم به استقبال مشکلات خاقانی برویم و از کنار آنها از سر تعافل نگذریم و در حدّ توان گره‌ی از آنها بگشاییم و راه را برای پژوهشگران بعدی هموارتر کنیم. اگر در این میان به گره‌ی و مشکلی پرداخته‌ایم اغلب در ابیاتی است که احتمال می‌داده‌ایم آن گره مربوط به ضبط و تصحیح است و تا روشن نشدن تکلیف تصحیح نباید شتاب‌زده درباره آن سخنی گفت. البته، در همین موارد هم اگر نسخه‌های دیگری، به جز نسخه‌های مورد استناد چاپ سجّادی، می‌توانسته‌اند گره‌ی بگشایند سعی کرده‌ایم از آنها غافل نباشیم.

یکی از کارهایی که در موارد متعددی در این بخش انجام داده‌ایم نقد دو تصحیح مهمّ و معتبر *دیوان خاقانی*، یعنی دو چاپ عبدالرّسولی و سجّادی است. این نقد و ارزیابی برای کسانی که بخواهند تصحیح منقّح‌تری از این *دیوان* در آینده عرضه کنند، می‌تواند مفید باشد و برای کسانی هم که به دنبال درک بهتر مضامین سخن خاقانی هستند ضرورت دارد. البته، نقد این تصحیح‌ها هدف اصلی این نوشته نیست و شامل همه ابیات نمی‌شود. در اینجا تنها به مهم‌ترین موارد اشاره کرده‌ایم.

منبع و مرجع اصلی ما برای درک دقایق سخن خاقانی نخست *دیوان* و دیگر آثار خود او و سپس متون شاعرانی چون سنایی است که خاقانی به شعر آنان نظر داشته و در مرحله بعد دیگر آثار نزدیک به روزگار او را پیش چشم داشته‌ایم. فرهنگ‌های قدیم و جدیدی که بر اساس ابیات خود خاقانی و دیگر شاعران نوشته شده‌اند، به دلیل شبه دور منطقی، در پاره‌ای از موارد، در تحقیقات ما در درجه آخر اهمیّت قرار دارند. این سخن به معنی قدرناشناسی نسبت به مؤلفان فاضل و سخت‌کوش این فرهنگ‌ها نیست. این فرهنگ‌ها در جایگاه خود، و برای درک متون دیگر، بالاترین ارزش را دارند، امّا برای

درک ابهامات متونی که امّهات متون فارسی را تشکیل می‌دهند و فرهنگ‌های موجود بر اساس خود این متون نوشته شده‌اند، باید به منابعی غیر از آن‌ها مراجعه کرد و بهره‌بردن از این فرهنگ‌ها، به ویژه فرهنگ‌های معاصر، در این زمینه تابع احتیاط‌ها و شروطی است.

پرداختن به همه نکات دستوری و بلاغی و ... نیز هدف اصلی این نوشته نیست؛ چون از یک سو شروع موجود به صورت مستوفای این زمینه‌ها پرداخته‌اند، و از سوی دیگر تعلیقات یک متن باید در خدمت فهم آن باشد و مباحث دستوری و بلاغی و ریشه‌شناسی و جز این‌ها تا جایی که کلید فهم متن باشند یا نکته زیباشناسانه‌ای را یادآور شوند که از دیده‌ها پوشیده بوده، می‌توانند راه‌گشا باشند؛ از این رو، در این عرصه‌ها هم به اشارات نسبتاً کلی، در حدّی که وظیفه این کتاب بوده بسنده کرده‌ایم.

دستاوردهای این اثر حاصل سال‌ها انس با دیوان خاقانی است. این نکات در طی سال‌ها تحقیق و تدریس و بیان در جلسات درس بعداً تکمیل و یادداشت شده‌اند و دانشجویان فاضل من از سال‌ها قبل با آن‌ها آشنا هستند. برخی از این نکات پیش از این در یادداشت‌ها و مقالات نگارنده یا وبلاگ و کانال فصل فاصله در اختیار اهل تحقیق قرار گرفته است و بخش عمده آن برای نخستین بار در اینجا در معرض داوری قرار می‌گیرد.

خاقانی‌شناسی تا کنون لغزشگاه بزرگ برخی از نام‌آوران دانش و ادبیات بوده و پشت پهلوانان سترگی در این آوردگاه با زمین آشنا شده است؛ طبعاً جایگاه طلبه کم‌مایه‌ای چون من در این عرصه ناگفته آشکار است. به یقین، لغزش‌هایی نیز بر این قلم رفته است که اهل فضل و فضیلت آن‌ها را ناصحانه تذکر خواهند داد و مرا مرهون لطف خود خواهند کرد. احتمالاً، کسانی نیز پیدا خواهند شد که از موضع غرض بر نکته‌های درست نیز لاجول کنان انگشت بنهند و خرده‌ها بگیرند!

نگارنده هم از نقدهای عالمانه و ناصحانه استقبال می‌کنم و هم از شبه‌نقدهای غیرمنصفانه و بر آن است که مسیر پرفرازونشیب حقیقت و دانش از دل همین گفت‌وگوها می‌گذرد و ناقدان بصیری هستند که سخن صواب را، حتی در گردوغبار

قیل و قال‌های دهان‌پرکن تشخیص دهند. اگر سرسخنان نغز خاقانی پژوهش‌های ادبی ما را گامی، یا کمتر از گامی، به پیش ببرد، برای من کافی است و از رنجی که برده‌ام افسوس مند نخواهم بود!

## قدردانی و سپاس

در این سال‌ها استادان بزرگواری بوده‌اند که از محضر آنان یا از آثار گران‌قدرشان در زمینه شعر بهره برده‌ام. مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر جلیل تجلیل، استاد علی معلّم دامغانی کسانی بودند که کم یا زیاد توفیق حضور در درس خاقانی آن‌ها نصیب شد و افاضات و اشارات بزرگواری چون شادروان دکتر مظفر بختیار و دکتر تقی پورنامداریان و دکتر محمدرضا شفیع کدکنی و مرحوم دکتر مظاهر مصفا و دکتر امیربانو کریمی و دکتر برات زنجانی و مرحوم دکتر اسماعیل حاکمی همواره گره‌گشای مشکلات من در فهم متون، از جمله دیوان خاقانی بوده است.

آثار ارجمند بزرگانی چون مرحوم دکتر سیدضیاءالدین سجّادی و مرحوم دکتر عباس ماهیار و استاد محمد روشن، اگرچه هرگز توفیق حضور در جلسات درس آنان را نیافتم، نیز برایم بسیار مغتنم بوده است.

حقّ این استادان بر عهده من ادانشدنی است، اما من بیش از هر چیز در این مسیر وام‌دار دانشجویان پرسشگر و دقیق‌النظر و پرتلاشی هستم که دقت‌ها و وسواس‌ها و تلاش‌های آنان در گردآوری منابع و شواهد بحث و پی‌گیری‌هایشان برای تشکیل جلسات درس در تابستان و زمستان و حتی تعطیلات دانشگاه یاری‌دهنده و مشوق من برای ادامه کار بود.

برای استادان درگذشته خودم رضوان الهی و برای آن‌ها که در قید حیات‌اند، سلامت و طول عمر و برای دانشجویان پرتلاش دانشگاه تهران و تربیت مدرس که در این زمینه یاورم بودند، توفیق فراوان آرزومندم. از توفیقات بزرگ این بود که فصول این کتاب در کلاس‌های درس دکتری و کارشناسی ارشد این دانشگاه‌ها تدریس شد و در معرض بحث و داوری دانشجویان قرار گرفت.

همچنین، باید از دوستان فاضلم دکتر محسن حسینی وردنجانی و دکتر مجید منصوری که هر یک در عرصه خاقانی‌شناسی آیتی هستند صمیمانه تشکر کنم. این عزیزان از سر لطف و با نگاه دقیق متن را پیش از انتشار مطالعه کرده و نکات ارزشمندی را یادآور شدند و بر غنا و دقت علمی مباحث افزودند. برخی از دوستان فاضل دانشجو، از جمله خانم‌ها آسیه فرحی و طاهره طاهر دل نیز با دقت مثال‌زدنی مانع راه یافتن بسیاری خطاها در نوشتار کتاب شدند.

مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به ویژه فاضل گرامی جناب آقای دکتر عبدالرسول فروتن که از لحاظ علمی و عملی یاری‌رسان بنده بودند نیز در انتشار شایسته کتاب سهمی یادکردنی داشته‌اند. بدون لطف و همکاری این عزیزان نیز این اثر به صورتی که می‌بینید، به حلیه نشر آراسته نمی‌شد.